



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

STIMSON

توافقنامه امنیتی عراق و ترکیه تهدید برای نفوذ ایران

توافقنامه امنیتی جدید بین ترکیه و عراق نشان‌دهنده خصوصیت دیرینه ترکیه با پ.ک.ک و نیاز عراق به آب و توسعه اقتصادی است. ایران و ترکیه به‌عنوان دو کشور همسایه عراق، به لحاظ تاریخی همواره بر سر نفوذ در عراق با هم رقابت کرده‌اند. اخیراً مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری ایران به عراق سفر کرد و قبل از آن نیز ترکیه یادداشت تفاهمی با عراق در زمینه همکاری نظامی، امنیتی و مبارزه با تروریسم امضا کرد. این تفاهم‌نامه که پس از سفر تاریخی رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه به عراق در ماه آوریل انجام شد، مانور مهمی برای تقویت نفوذ ترکیه در عراق است. ترکیه حزب کارگران کردستان موسوم به پ.ک.ک را به‌عنوان «سازمان ممنوعه» معرفی کرده و به‌دنبال مشروعیت بخشیدن به عملیات فرامرز خود و تقویت جایگاه خود در سیاست و امنیت عراق است. براساس نسخه‌ای از یادداشت تفاهم عراق با ترکیه که پس از دو روز مذاکرات در سطح عالی در آنکارا به دست آمد، عراق و ترکیه در نظر دارند تلاش‌ها را برای «حفاظت از امنیت و منافع ملی خود و ارتقای هماهنگی امنیتی، نظامی و اطلاعاتی از طریق تبادل اطلاعات درباره سازمان‌های تروریستی تقویت کنند». ترکیه که با مطالبات اقلیت کرد خود مخالف است، از دهه ۱۹۸۰ حملات نظامی فرامرز را با هدف قرار دادن پ.ک.ک در شمال عراق انجام داده است. عنوان کردن پ.ک.ک به‌عنوان «تهدید مشترک» و «سازمان ممنوعه» نشان‌دهنده اقدام جدیدی برای مشروعیت بخشیدن به «جنگ علیه تروریسم» ترکیه است. دو کشور همچنین توافق کردند که یک مرکز هماهنگی امنیتی مشترک در بغداد ایجاد کنند که تحت فرماندهی عملیات مشترک قرار دارد. این توافق بدون مخالفت نبوده است. گروه‌های شبه‌نظامی عراقی طرفدار ایران از این تفاهم‌نامه انتقاد کرده‌اند. در ۲۳ اوت، یک حمله هوایی ترکیه دو خبرنگار زن را کشت و یک همکار مرد را در خودرویی در نزدیکی شهری بین سلیمانیه و حلبچه مجروح کرد. یک هفته بعد، ارتش عراق یک هواپیمای بدون سرنشین ترکیه را بر فراز شهر کرکوک که اکثریت آنها کرد هستند، سرنگون کرد. به نظر می‌رسد که توافق جدید با نام «توافقنامه استراتژیک آب» بین عراق و ترکیه انجام شده است. آب یکی از دلایل دیرینه اختلافات بین دو کشور بوده است، زیرا هر دو رودخانه فرات و دجله که از ترکیه سرچشمه می‌گیرند، منابع آبی حیاتی برای عراق هستند. بغداد ادعا می‌کند که سدهای ترکیه سطح آب را کاهش می‌دهند، در حالی که آنکارا می‌گوید عراق باید زیرساخت‌های آبیاری قدیمی خود را بهبود بخشد تا به استفاده کارآمدتر از آب دست‌یابد. این توافقنامه امنیتی همچنین در کنار یک قرارداد اقتصادی تاریخی ۱۷ میلیارد دلاری با عراق قرار دارد که هدف آن ایجاد یک کریدور محوری بین آسیا و اروپا از طریق ترکیه به نام جاده توسعه است. پایگاه صنعتی قوی ترکیه در خاورمیانه، این کشور را در جهت گسترش سهم بازار، افزایش تولید و افزایش سود قرار می‌دهد که در نهایت تورم را کاهش می‌دهد، اشتغال را تقویت می‌کند و پایه‌های اقتصادی خود را مستحکم می‌کند. از نظر استراتژیکی برای اردوغان، پروژه جاده توسعه ممکن است به ترکیه و بغداد کمک کند تا خودمختاری کردها را از بین ببرند و مقاومت پ.ک.ک را تضعیف کنند. به گفته وزیر حمل و نقل و زیرساخت ترکیه، در نشست اخیر با عراق، قطر و امارات متحده عربی در ترکیه، مقامات درباره چگونگی تسریع این پروژه بحث کردند. نفوذ ترکیه در عراق تحت دیکتاتوری صدام حسین با سرمایه‌گذاری‌های متعدد و تجارت قابل توجه بسیار قوی بود. با این حال، از زمان مداخله ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ و سرنگونی رژیم صدام، ایران با حمایت از پیش از دو دهه حزب سیاسی تأمین مالی و آموزش گروه‌های شبه‌نظامی همسو با آنها، خود را در سیاست عراق تثبیت کرده است. نیروی بسیج مردمی همسو با ایران به‌عنوان قدرت سیاسی و نهادی مسلط عراق ظاهر شده است. شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران از زمان افزایش تنش‌های منطقه‌ای پس از حمله حماس به اسرائیل در ۷ اکتبر گذشته و جنگ متعاقب آن، اسرائیل در غزه، حداقل ۱۶۰ حمله به نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه انجام داده‌اند. گروه‌هایی مانند حزب‌الله عراق نیز پروژه جاده توسعه را به شدت مورد انتقاد قرار داده و آن را «منبع مداوم نگرانی» خوانده‌اند.

تاریخ
دیپلماسی

آغاز روابط ایران و ترکیه در دوره رضاشاه

دوستی دو همسایه

اختلاف میان ایران و ترکیه

با وقوع جنگ جهانی اول و فروپاشی عثمانی و روی دادن جنگ استقلال، جمهوری ترکیه به رهبری مصطفی کمال پاشا در سال ۱۹۲۳ تأسیس شد و رژیم جدید خود را به‌عنوان یک جمهوری معرفی کرد و پس از این اتفاق روابط نیاز به ترمیم و بازسازی داشت چراکه جمهوری ترکیه به امپراطوری عثمانی پایان داده و بسیاری از قراردادهای دوجانبه‌ای را که از آن به ارث برده بود، بی اعتبار اعلام و سعی کرد قراردادهای جدیدی را با کشورهای دیگر ترتیب دهد. هر چند این امر بیشتر شامل قراردادهای با انگلیس، طرف پیروز جنگ جهانی اول می‌شد اما ایران نیز باید در مورد حفظ مرزهای خود هوشیاری نشان می‌داد. آخرین توافقی که بین امپراطوری عثمانی و دولت قاجار ایران انجام شد، پروتکل استانبول بود. این پروتکل فقط مقررات مرزی بین امپراطوری عثمانی و ایران را پوشش می‌داد. علاوه بر ثبات سیاسی و اقتصادی مورد نیاز دو کشور، توافقی که امنیت ملی آنها را تضمین کند و مبتنی بر درک و اعتماد متقابل باشد، به نفع دو کشور بود. در دوره‌ای که رضاخان قدرت خود را به‌عنوان نخست‌وزیر در ایران تثبیت کرده و سلطنت را از قاجار به پهلوی تغییر داد جمهوری ترکیه تأسیس شد و مصطفی کمال پاشا رئیس‌جمهور شد. در این دوره پیام‌های ضدامپریالیستی و استقلال‌خواهانه ترکیه مورد استقبال ایران قرار گرفت. از سوی دیگر، در جامعه ترکیه این عقیده وجود داشت که دولت و جامعه ترکیه باید در برابر ایران هوشیار باشند. استفاده ایران از مذهب شیعه به‌عنوان ایدئولوژی دولتی، این واقعیت که آناتولی در ناسیونالیسم مدرن ایرانی، قلمرو پارس تلقی می‌شود و هم‌دلی کردها براساس این درک که کردها یک قبیله ایرانی هستند عوامل چنین تلقی‌ای در ترکیه نوین بودند. هنگامی که مصطفی کمال پاشا حاکم قاجار به رو به زوال است سعی کرد نماینده خود و وزیر خارجه ترکیه، «توفیق رشیدی آراس» را در اروپا به نزد احمدشاه بفرستد و به او پیشنهاد دهد نخست به آنکارا رفته و سپس همراه با یک نیروی نظامی ترکیه‌ای راهی تهران شده و تاج و تختش را تحکیم کند. اگر چه حسین مکی و برخی مورخان معاصر اشاراتی بر این پیشنهاد و ملاقات داشته‌اند نخستین راوی این ملاقات انوشیروان سپهبدی، سفیر ایران در ترکیه بود که در خاطراتش به جزئیات پیشنهاد مصطفی کمال پاشا اشاره کرده و منبع خبری خود

را «توفیق رشیدی آراس» اعلام نموده است که در زمان اقامت سپهبدی در آنکارا به‌عنوان سفیر کبیر ایران در سال‌های ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۳ دوستی مستحکمی بین این دو پدید آمده بود. سپهبدی در همان زمان جمع‌بندی دیدار و گفته‌های رشیدی آراس را طی نامه‌ای مکتوب کرده و این نامه جالب چندی پیش علنی شد و مورد توجه تاریخ‌پژوهان ترکیه قرار گرفت. ظاهراً براساس گفته‌های توفیق رشیدی آراس این ملاقات میان او به‌عنوان نماینده مصطفی کمال پاشا و احمدشاه و در حضور چند نفر دیگر پس از چند روز تلاش هیئت ترکیه‌ای انجام گرفته و رشیدی آراس ضمن ابلاغ سلام مصطفی کمال به او پیشنهاد بازگشت فوری به ایران از مسیر ترکیه و آنکارا ارائه کرده و حتی پیشنهاد همراه نمودن قشون ترکیه‌ای نیز داده که در این زمان احمدشاه که به ترکی صحبت می‌کرده به یکبارگی تغییر رویه داده و گفته من ترکی شما را نمی‌فهمم. رشیدی آراس که از این تغییر رفتار شگفت‌زده شده که تا اینجا مذاکره به ترکی میان دو هیئت بخوبی پیش می‌رفته به دلیل فرانسه‌دانی خود و احمدشاه مجبور به شرح پیشنهاد مصطفی کمال به فرانسه شده و اینجاست که با روایت سپهبدی و رشیدی آراس احمدشاه ضمن ابلاغ سلام و تشکر به غازی مصطفی کمال صریحاً این پیشنهاد را رد کرده و پاسخ داده میان خانواده ما رسم نیست که با کمک سپاه بیگانه وارد کشور شویم. این روایت تاریخی نشان می‌دهد که کمال آتاترک دست‌کم در ابتدای روی کار آمدن رضاشاه دید مثبتی به او نداشته و تلاش داشت از روی کار آمدن وی جلوگیری کند. هر چند برخی ترک‌زبان بودن قاجار به را علت این رفتار آتاترک دانسته‌اند اما احتمالاً دلایل پیچیده‌تری برای چنین رویکردی باید وجود داشته باشد و احتمالاً نقش انگلیسی‌ها در روی کار آمدن رضاشاه و حمایت آنان از تغییر سلسله در ایران دلیل سوءظن بیشتر آتاترک به رضاشاه بوده است. با این حال در میان رهبران کشورهای جهان، رضاخان نخستین کسی بود که به محض اعلام جمهوری در ترکیه، تغییر حکومت را به آتاترک تبریک گفت. سردار سپه که در آن زمان به‌تازگی به نخست‌وزیری منصوب شده بود، در آبان ۱۳۰۲ یک جلد کلام‌الله مجید و یک قبضه شمشیر مرصع به عنوان هدیه برای آتاترک فرستاد و به او تبریک گفت. این امر مقدمه‌ای برای ایجاد روابط دوستانه میان دو کشور شد.



داود دشتبانی

خبرنگار گروه دیپلماسی

معروف است که رضاشاه تنها یک سفر خارجی داشت و این سفر نیز تکلیف او را برای پیگیری بسیاری از سیاست‌های داخلی روشن کرد. شباهت‌هایی که میان رضاشاه و آتاترک وجود داشت، بیش از همه انگیزه چنین نزدیکی‌ای شد. هر دو سربازی کهنه‌کار بودند که درصدد بودند کشوری مدرن و سکولار بسازند و در زمانه و شرایطی مشابه به دنبال اهدافی مشابه بودند و طرفه آنکه تغییر سلطنت قاجار به پهلوی تنها سه روز پیش از اعلام جمهوری توسط آتاترک در ترکیه صورت گرفت. سفر رضاشاه به ترکیه از لحاظ تاریخی اهمیتی بیش از یک سفر داشت چراکه این سفر به کشوری صورت می‌گرفت که برای قرن‌ها در جنگ و چالش با ایران بود و دوره‌های صلح میان ایران و عثمانی عمدتاً کوتاه بود. ایران و عثمانی در دوره قاجار، صفویه، افشار و زند با یکدیگر می‌جنگیدند و آخرین جنگ آن‌ها در دوره قاجار بود. گام‌های مهمی برای حل و فصل مشکلات با توافق نامه ارزوم برداشته شد و قرن نوزدهم برای هر دو کشور که از قدرت‌های استعماری ضربه خوردند و سرزمین‌های زیادی را از دست دادند دردناک بود. پس از نیمه دوم قرن نوزدهم بود که هر دو کشور متوجه شدند نزع آنها با یکدیگر بی‌فایده است. اول از همه فهمیدند که اهداف سیاسی انگلستان و روسیه در مورد این دو کشور ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. آغاز این درک راه را برای نزدیکی دولت‌های عثمانی و ایران باز کرد و با سفرهای ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه به سرزمین‌های عثمانی این روابط صمیمی‌تر نیز شد. دیدار آنها باعث شد که خصوصیت‌ها به تدریج به روابط خوب یا دوستی تبدیل شود اما همین سفرها نیز در پی چالش و درگیری مرزی و چندین سال درگیری نظامی و دیپلماسی صورت گرفت.